

## نگاه نوین به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بر اساس نگرش اسلامی

سیده الهام آقایی ابرنآبادی<sup>۱\*</sup>، امیر زاهدی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش پیش رو در پی تأمین این هدف بوده که ضمن بررسی دلالت آراء فیلسوفان اسلامی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی و نیز شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم و شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی، نگاهی نو به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بنابر دیدگاه اسلامی ارائه کند. برای رسیدن به هدف مذکور، در این پژوهش به بررسی تعاریف رایج تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، دلالت آراء فیلسوفان اسلامی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم و شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی پرداخته شده و سپس ارتباط میان این شبکه مفهومی با تربیت هنری و زیبایی‌شناختی برآمده از آراء فیلسوفان اسلامی روشن گشته و در نهایت نگاهی نوین به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بنابر دیدگاه اسلامی ارائه شده است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی محتوای متن استفاده شده و یافته‌های پژوهش توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در نظام زیبایی‌شناختی قرآن، بحث زیبایی‌های حقیقی و نیز زیبایی‌های مجازی (زیبانمایی) مطرح است که برای تشخیص این دو از هم نیازمند تقوا هستیم. تقوا زمینه شناخت عوامل زیبانمایی و نیز عوامل بازداری از آن‌ها را فراهم می‌کند. تقوا موجب توجه به موقعیت خطرناک زیبانمایی‌ها و عدم غفلت از آن‌ها نیز می‌گردد که از طریق تذکر بدست می‌آید. این توجه و تذکر مطابق دیدگاه ملاصدرا می‌تواند از طریق عشق فراهم گردد که در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های هنری است و در نهایت با انتقال فرد از عشق مجازی نفسانی به عشق حقیقی الهی، درک حضور مستمر حق تعالی و حرمت نگه داشتن در محضر او (تقوا) را در پی خواهد داشت که همان هدف اصلی تعلیم و تربیت اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: نگاه نوین به تعریف تربیت، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، نگرش اسلامی

۱\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء (س) e.aghaie7@gmail.com

۲ عضو هیات علمی و معاون پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)



## مقدمه

بارو و میلبورن<sup>۱</sup> تربیت هنری را با هنرهای بدیع و خلاق مربوط می‌دانند. از نظر جروم هاوس من<sup>۲</sup> تربیت هنری شامل آموزش اساسی حواس است که باعث رشد رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری و قضاوت نقادانه تجارب بصری می‌شود. از دیدگاه افلند<sup>۳</sup>، هدف تربیت هنری عبارت است از توانا ساختن دانش‌آموزان برای کسب مهارت‌های مربوط به بیان و ابراز هنرمندانه، طراحی، ارزش‌گذاری و قدردانی نقادانه و نیز کسب آگاهی از هنر و تاریخ آن می‌باشد. واژه‌نامه آموزش و پرورش هم معنای تربیت هنری را به آموزش هنرهای تجسمی و فضایی یا حجمی نسبت می‌دهد که دارای تقسیم‌بندی مختلفی است. از نظر چاپمن<sup>۴</sup>، تربیت زیبایی‌شناسی به جای تأکید بر کاربرد باید در صدد برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و رویدادها از طریق شکلشان باشد. در این راستا باید به پرورش حواس و حساسیت‌های اساسی دانش‌آموزان پرداخت تا بیاموزند چگونه ببینند، ارتباط برقرار سازند و حرکت کنند (امینی، ۱۳۸۴).

در یکسری از تعاریف، تربیت هنری با زیبایی‌شناسی در هم آمیخته است. در این زمینه تعاریف گارتسون<sup>۵</sup> و بنت رایمر<sup>۶</sup> قابل ذکر است. گارتسون، تربیت هنری را فرایند افزایش و رشد تیزبینی و حساسیت فرد نسبت به زیبایی‌شناسی معرفی می‌کند. بنت رایمر نیز تعریفی مشابه این تعریف اما در قالب تحلیلی ارائه می‌کند. وی تربیت هنری را به عنوان رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه پدیده‌ها تعریف می‌کند (امینی، ۱۳۸۴). برخی صاحب‌نظران مانند برودی نیز اهمیت تربیت هنری را از منظر زیبایی‌شناختی و هنری صرف مطرح کرده و تأکید می‌کنند که هنرها، ماهیتاً، نشان‌دهنده اشکال اساسی تجربه انسانی بوده که زمینه بروز احساسات و تجلی خلاقانه وی را فراهم می‌سازند (برودی، ۱۹۷۷). توماس کورتیس و چارلز اسپایکر، مجموعه غایات آموزش و پرورش را در قالب شش هدف کلی یعنی کیفیت زندگانی، انسانیت، تکرارگرایی فرهنگی، شهروندی، آموزش عمومی و رضایت شخصی (خودشکوفایی) معرفی کرده‌اند. از دیدگاه این صاحب‌نظران، تربیت هنری و

1 -Borrow and Miburn.

2- Jerom Hausman.

3 -Efland.

4- Chapman.

5 -Garrestson.

6 -Bennet Reimer.

زیباشناسی، به عنوان یک مؤلفه اساسی برای تحقق اهداف مذکور می‌باشد. به این ترتیب اهمیت این نوع از تربیت را از منظر مساعدتی که به تحقق سایر اهداف نظام آموزشی می‌کند نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد (کورتیس و اسپایگر، ۱۹۷۷). از طرف دیگر در مورد توجهات فلسفی تربیت زیبایی‌شناختی نیز فلاسفه به پرورش قدرت تخیل، زمینه‌های روان‌شناسی (هنر به عنوان وسیله‌ای برای رشد و بلوغ و مواجهه با تعارضات درونی)، تأمین رشد نیروی عقلانی، رشد اخلاقی و انتقال فرهنگ و پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی اشاره کرده‌اند (ال‌الیاس، ترجمه ضرابی، ۱۳۸۵).

اگر به قول آیزنر یکی از وظایف اصلی مدارس را پرورش انواع سواد بدانیم که فرآیند فعالانه اکتساب و ارائه معنا در قالب اشکال منظم و سازمان یافته‌ای از بیان و ابراز تجلیات درونی معرفی شده است (آیزنر، ۱۹۸۵، ص ۵۰)؛ بنابراین رشد تفکر سازنده و جامع در دانش-آموزان و پرورش و تقویت فرآیندهای عقلانی برای ابداع خلاقیت و در نوردیدن مرزبندی‌های ساختگی، در گرو به‌کارگیری فرآیند زیبایی‌شناختی خواهد بود (آیزنر، ۱۹۷۹، ص ۸۶).

به هر صورت از بررسی این تعاریف می‌توان استنباط کرد که در تعریف و تبیین قلمرو تربیت هنری و زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی، ابعادی مانند رشد قابلیت‌های خلاقانه دانش‌آموزان، ادراک حسی عمیق و دقیق نسبت به پدیده‌ها، پرورش و به‌کارگیری حواس مختلف، رشد حساسیت دانش‌آموز نسبت به ویژگی‌ها و ابعاد زیبایی-شناختی پدیده‌های مختلف مورد نظر و تأکید می‌باشد.

می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تربیت هنری و زیبایی‌شناختی را در ایران بدین صورت مورد توجه قرار داد. در یکی از این پژوهش‌ها ضمن اشاره به ساحت‌های خیال‌خلاقه در فلسفه ملاصدرا، به تعریف خلاقیت از نگاه وی پرداخته و در ادامه با بیان مفهوم تربیت و حوزه اهداف غایی و واسطی از نگاه صدرایی، اصول و روش‌های پرورش خلاقیت را از این منظر بیان شده است (محمودی، ۱۳۹۰). در پژوهش دیگری به اهمیت کارکرد نظام آموزشی در زمینه پرورش قابلیت‌های زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان پرداخته شده که درصدد بازشناسی، تبیین و اعاده جایگاه شایسته تربیت هنری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از طریق طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر و نیز مقایسه آن با برنامه درسی رسمی می‌باشد (امینی، ۱۳۸۴). در پژوهش دیگری توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیر زیباشناسانه در

دانش‌آموزان رده‌های سنی گوناگون شهر تهران مقایسه و بررسی شده است (رشید، مهرمحمدی، دلاور و قطریفی در پژوهشی مشترک، ۱۳۸۶). در پژوهش دیگر به بهبود کیفیت برنامه‌های درسی و توجه به رویکرد تلفیقی پرداخته شده است (شرفی، ۱۳۸۶). در تحقیق دیگری به تبیین دیدگاه برودی (فیلسوف معاصر تعلیم و تربیت) درباره زیبایی‌شناسی و کاربردهای عام و خاص آن برای تعلیم و تربیت پرداخته شده است (رضایی، ۱۳۸۹).

با بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش‌های داخلی، به نظر می‌رسد این پژوهش‌ها در حوزه هنر و زیبایی‌شناسی بیشتر ناظر به بحث آموزش هنر (فعالیت‌های خاص هنری) و جایگاه آن در برنامه درسی در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان می‌باشد. هر چند تربیت هنری به این معنا به دلیل آثار آن، درخور توجه و اعتنا است اما به نظر می‌رسد که به جز پژوهش محمودی، ۱۳۹۰؛ تربیت زیبایی‌شناختی (هنر به معنای عام آن) در نظام آموزش و پرورش کشور مورد بی‌توجهی افزون‌تری است و مفهوم-پردازی جامع و دقیقی از معنا، گستره و حدود این نوع تربیت در نظام آموزش و پرورش کشور به خصوص از منظر اسلامی صورت نگرفته است. البته پژوهش یاد شده نویدبخش شروع گفتگمانی جدید در این حوزه است. البته در پژوهش مذکور به بحث خلاقیت در تعلیم و تربیت براساس حکمت متعالیه پرداخته شده حال آنکه در این پژوهش براساس آراء فیلسوفان اسلامی خصوصاً صدرا، نگاهی جدید به تعریف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی ارائه شده است.

در نهایت لازم به ذکر است که این پژوهش در پاسخ به پرسش‌های ذیل شکل گرفته است: بنا بر آراء فیلسوفان اسلامی چه دلالتی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی قابل استنتاج است؟، شبکه مفهومی زیبایی در قرآن چیست؟، شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی کدامند؟ میان شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم با تربیت هنری و زیبایی‌شناختی برآمده از آراء فیلسوفان اسلامی چه ارتباطی وجود دارد؟ و در نهایت از تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بنا بر مبانی اسلامی مذکور چه تعریفی نوینی می‌توان ارائه داد؟

**روش**



در این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده شده که بخش نخست آن به روش کیفی انجام شده و به لحاظ گردآوری داده‌ها، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته و در این بخش برای استنباط شبکه مفهومی زیبایی در قرآن و ملاحظه‌های آن در تعلیم و تربیت از روش تحلیل محتوای متن استفاده شده است. در بخش دوم تحقیق، به اعتباربخشی یافته‌های پژوهش پرداخته شده که به روش کمی انجام گرفته و یافته‌های تحقیق توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده است. اعتباربخشی روش‌های پژوهش کیفی به طرق مختلف انجام می‌گیرد که مثلث‌سازی یکی از این روش‌ها است. به‌کارگیری این روش، روایی مطالعه پدیده مورد نظر را نیز تضمین می‌کند زیرا مقایسه نگرش به موضوع از منظرهای گوناگون، فهم و درک همه جانبه و عمیق واقعیت را میسر می‌کند (لطف آبادی، ۱۳۸۸).

مثلث‌سازی داده‌ها، مثلث‌سازی صاحب‌نظران و بررسی‌کنندگان، مثلث‌سازی نظریه، مثلث‌سازی روش‌شناختی، مثلث‌سازی محیطی، پنج نوع مثلث‌سازی هستند که تاکنون مورد توجه پژوهشگران کیفی قرار گرفته‌اند (ابولمعالی، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور کشف یا حداقل کردن نتایج سوگیرانه و افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش از مثلث‌سازی صاحب‌نظران و بررسی‌کنندگان استفاده شده است.

پژوهشگر جهت بررسی فرضیات خود در قرآن، آیات قرآنی مورد استفاده در شبکه مفهومی زیبایی را جامعه آماری خود قرار داده و از آنجا که بررسی دقیق آیات با نمونه‌گیری تصادفی ممکن نیست، نمونه‌گیری هدفمند یا داورانه را انتخاب کرده است. در این نوع نمونه‌گیری مواردی که از لحاظ اهداف تحقیق کیفی، اطلاعات غنی دارند، انتخاب می‌شوند (گال و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹). مؤلفه‌های کلیدی زیبایی و زیبایی‌مایی با روش تحلیل محتوا از آیات قرآن استخراج و از طریق روش مثلث‌سازی صاحب‌نظران جرح و تعدیل شدند؛ سپس پرسشنامه‌ای که حاوی دلالت‌های تربیتی استنباط شده از این مؤلفه‌ها بودند، تنظیم شد و در اختیار صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی و علوم قرآنی قرار گرفت. این صاحب‌نظران متشکل از

اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌هایی بوده که علاوه بر علوم تربیتی، بر علوم قرآنی نیز تسلط داشته‌اند. سپس آزمون‌های کمی بر روی داده‌های استخراج شده از پرسشنامه انجام گرفت. برای سنجش پایایی این پرسشنامه به دلیل چندگزینه‌ای بودن و استفاده از مقیاس لیکرت از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آزمون فریدمن نیز به منظور اولویت‌بندی گزاره‌های مختلف و تعیین میزان توافق صاحب‌نظران از جهت اهمیت گزاره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق نرم‌افزار spss، ۹۱٪ بدست آمد که مقدار قابل توجهی است. شایان ذکر است که روایی صوری یافته‌ها نیز مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است.

### یافته‌ها

#### دلالت آراء فیلسوفان اسلامی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی:

از قدمای فلاسفه اسلامی، فیلسوفان مشاء مطالبی را مربوط به نقش تربیتی هنر مطرح کرده‌اند. این مطلب اغلب ضمن بحث تمایز میان برهان، خطابه و شعر مطرح می‌شود یعنی بحث صناعات خمس در منطق صوری. همچنین در بحث‌های مربوط به انواع قضایا نیز این مطلب ضمن توضیحاتی در باب قضایای مخیله مطرح می‌شود. آن‌ها چنین بیان می‌کنند که هر یک از صناعات برهان، خطابه و شعر با توجه به قضایایی که از آن شکل می‌گیرند، کارکردی متفاوت و برای استفاده مخاطبان خاصی تناسب دارند (ربیعی، ۱۳۸۸، ص ۷۸). برای مثال فارابی می‌نویسد برخی سخنان چنان است که به دلیل سستی بنیاد آن‌ها که همان حس و تخیل باشد یا به سبب ناتوانی عموم مردم از تصور آن معانی به واسطه صرف سخن شنوندگان را اقناع نمی‌کند. بنابراین سخنوران آنچه را به صلاح ایشان بازمی‌گردد با ترکیب سخن با وزن کلام و با تألیف آهنگ‌ها و ضرباهنگ‌هایی که مقوم تخیل است بیان نموده و به ایشان عرضه می‌نمایند (فارابی، رساله فی التألیف و التناسب، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).



ابن‌سینا نیز درباره تأثیرات خاص قضایای مخیل چنین می‌گوید: «مخیلات قضایایی هستند که وقتی گفته می‌شوند تأثیر شگفت‌آوری از قبض و بسط در نفس شنونده پدید می‌آورند و چه بسا اثر آن‌ها در نفس از تأثیر تصدیق بیشتر باشد.» (ابن‌سینا، اشارات و تنبیهات، صص ۲۲۷-۲۲۸، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸، ص ۷۹). بنابراین با استفاده از عواملی نظیر نیکویی شکل اثر، صدق و درستی اثر، شیوع و مشهور بودن تشبیهات و استعارات مورد استفاده و بازنمایی به روش مناسب سعی می‌شود معانی که اکثریت مردم از درک برهانی و استدلالی آن‌ها عاجزند و نیز معانی که بیان آن‌ها به شیوه‌های استدلالی یا خطابی دشوار است به ایشان منتقل شود (ربیعی، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

ابن‌سینا بحثی را پیرامون ریاضت ذکر مطرح می‌کند که به نوعی با بحث هنر و آثار تربیتی آن نیز ارتباط پیدا می‌کند. وی برای ریاضت ذکر اهدافی را بیان می‌کند که عبارتند از: الف) دور کردن هر آنچه غیر از حق است و رحجان خداوند بر همه چیز، ب) مطیع نمودن نفس اماره نسبت به نفس مطمئنه بدان سبب که تخیل و توهم از جانب پایین به جانب قدسی مجذوب گردند، ج) تحصیل استعداد برای نیل به کمال.

وی برای رسیدن به هدف دوم، سه عامل را معرفی می‌کند تا از آن‌ها برای رسیدن به هدف ریاضت یاری گرفته شود. این سه عامل عبارتند از: ۱. عبادت مقارن با فکر: فایده این گونه عبادت این است بدن را به تمامه تابع نفس می‌گرداند، ۲. الحان (آهنگ‌ها)، ۳. کلام واعظ (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، صص ۳۸۰-۳۸۳، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). بنابراین این تعابیر ابن‌سینا روشن می‌کند که از نظر وی برای مطیع نمودن نفس اماره نسبت به نفس مطمئنه و جذب تخیل و توهم از جانب مادون به جانب قدسی علاوه بر عبادت همراه با تفکر، می‌توان به موسیقی نیز گوش سپرد.

از گفته‌های ملاصدرا نیز می‌توان مطالبی را پیرامون هنر و آثار تربیتی آن استخراج کرد که قابل توجه و تأمل است اما برای فهم و درک درست این آثار ناچار باید مقدماتی از مباحث او پیرامون هنر و زیبایی‌شناسی ذکر شود. در آثار باستان ایران تا به امروز که در لغت‌نامه دهخدا

مشهود است، به طور عام یک معنای اخلاقی و معنوی بر هنر مترتب بوده و هنر به معنی کمالات انسانی و فضایل اخلاقی به کار رفته و می‌رود اما جالب است که ملاصدرا برخلاف این دید متعارف زمانه خود، هنر را به معنی خاص آن یعنی ساخت و سازهای هنری مورد توجه قرار داده است و از آن در قالب صنایع لطیفه یاد می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، صص ۱۷۲-۱۷۳، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸). وی طی بحثی از انواع عشق‌ها و محبت‌ها نام می‌برد که یکی از آنها عشق انسان صنعتگر به مصنوع خود است که تا چه حد حرص و شوق به تحسین و تزیین اثر هنری خود دارد به حدی که گویا این حالت برایشان غریزی است و البته در این مسأله مصلحت خلق وجود دارد و به سبب آن احوال آنها انتظام می‌یابد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، صص ۱۶۴-۱۶۵، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸).

در واقع چنین به نظر می‌رسد که میان هنر (به عنوان صنایع لطیفه) و عشق از نظر ملاصدرا ارتباط نزدیکی وجود دارد. به زعم وی، عشق، مبارک، متعالی و دارای حکمتی عالی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۷۲، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸).

ملاصدرا از جمله مبادی که برای عشق ذکر می‌کند، تعلیم و تعلم صنایع لطیفه (امور هنری) را بر می‌شمرد و جالب است که در مواردی که به عنوان غایت عشق نیز مطرح می‌کند باز هم به تعلیم و تعلم امور هنری نظیر اشعار موزون و لطیف، آوازاها، آهنگ‌های طیب و داستان‌پردازی اشاره می‌کند. در واقع صدرا معتقد است کسی عشق لطیف را درمی‌یابد که دارای فضایل انسانی باشد (اشاره به داشتن قلب لطیف، طبع دقیق، ذهن صاف و نفس رحیم) و از طرف دیگر یکی از اموری که زمینه تجربه این عشق را فراهم می‌کند تعلیم و تربیت هنری است. پس جامعه‌ای که در آن علوم هنری رایج است، زمینه پیدایش خصلت‌های نیکوی انسانی بیشتر در آن فراهم است.

این بیانات ملاصدرا ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که به زعم او هنر دارای درون-مایه‌های تربیتی عمیقی است که اگر مورد توجه قرار گیرد می‌تواند زمینه را برای رسیدن به





عشق حقیقی برای یک امت فراهم کند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۷۴، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸) چرا که بروز این عشق در جان‌ها باعث تلطیف روح و تنویر قلب انسان می‌گردد و در نتیجه می‌تواند معبری به سوی عشق الهی (عشق حقیقی) باز کند: «المجاز قنطرة الحقیقه».

وی منشأ عشق لطیف را استحسان شمایل محبوب دانسته است. استحسان به معنای طلب دریافت و شناخت زیبایی‌های نهفته در انسانی است که واجد آن‌ها است. وی در جای دیگر عشق را افراط در شوق به اتحاد می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۷۷، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸). مراد از این اتحاد، حضور دائمی معشوق نزد عاشق است. تمثیل از طریق دقت‌نظری‌های عاشق در زیبایی‌های ظاهری و نیز زیبایی‌های منشی معشوق (شده الفکر و الذکر فی اشکاله و شمائله) و یکپارچه کردن این زیبایی‌ها در ذهن عاشق صورت می‌گیرد (همان). پس عاشق از طریق قوه خیال، تصویری زیبا برای معشوق خود در ذهن ساخته است که البته با التذاذ شدید برای عاشق همراه است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۷۲، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف از تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه از نظر ملاصدرا رسیدن به عشق حقیقی است.

#### شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم:

زیبایی‌شناسی قرآن کریم مبتنی بر اصلی است که برخاسته از ساختار ویژه زبان قرآن است. این ساختار، بیانگر نظم و پیوند میان موضوعات در شکل سازواره‌ای شده‌ای از مفاهیم است. از این رو برای کشف معنا، افزون بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ لغت و قرآن، باید واژه را در حوزه‌ای از واژه‌های دیگر و در ترکیب میان کلمات جستجو کرد و شبکه مفهومی آن را به دست آورد (خامه‌گر، ۱۳۸۲). از این رو در این پژوهش، شبکه مفهومی زیبایی (و زیبانمایی) بر اساس نوعی بررسی مفهوم‌شناختی در آیات قرآن تنظیم گردیده‌است که عبارت است از فهم معنای یک مفهوم از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن، به طوری که جنبه‌های مهم و اختصاصی آن مفهوم و همچنین روابطش با دیگر مفاهیم آشکار شود.

برای این منظور، نخست واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و در مقابل آن‌ها، واژگان ناظر به زیانمایی مجازی مورد بررسی قرار گرفت و سپس به فهم مفهوم زیبایی از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن در آیات قرآنی پرداخته شد و در نهایت مفاهیم در قالب روابط این همانی، علی (شامل علل و معلول‌ها)، تقارنی، تقابلی و تباینی (روابط بین مفاهیم در شبکه معنایی) تنظیم گردید.

از بررسی این روابط دو نکته حاصل شد: یکی اینکه روابط «این‌همانی، علی و تقارنی» و نیز روابط «تقابلی و تباینی» دارای مفاهیم مشترکی هستند و دیگر اینکه بسیاری از مفاهیمی که در روابط این‌همانی و تقارنی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی شناسایی شد، با مفاهیم روابط تقابلی و تباینی واژگان ناظر به زیبایی مجازی (زیانمایی) مشترک است و نیز بسیاری از مفاهیمی که در روابط تباینی و تقابلی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی شناسایی شد، با مفاهیم روابط تقارنی و این‌همانی واژگان ناظر به زیبایی مجازی (زیانمایی) مشترک است.

برخی مفاهیم با اینکه عامل، معلول و یا متقارن با زیبایی (یا زیانمایی) هستند اما خودشان هم جزو مصادیق زیبایی (یا زیانمایی) به شمار می‌آیند؛ بنابراین زیبایی (یا زیانمایی) خودش مولد زیبایی (یا زیانمایی) دیگری است. برای مثال عمل صالح و یا ایمان هم خود جزء عوامل ایجاد زیبایی هستند و از طرف دیگر خودشان مهم‌ترین مصادیق زیبایی و مفاهیم متقارن با آن محسوب می‌شود و در مقابل این زیبایی‌ها، اعمال زشت با اینکه خود جزء مهم‌ترین مصادیق زیانمایی است؛ از طرف دیگر مفهوم متقارن با آن به حساب می‌آید و نیز کفر هم خود جزء عوامل ایجاد زیانمایی است و هم مهم‌ترین مصداق زیانمایی و از مفاهیم متقارن با آن می‌باشد.

توضیح بیشتر اینکه زیبایی همچون ایمان، مولد زیبایی‌های دیگری نظیر تقوا، صبر، انفاق، استغفار و... است. در مقابل آن زیانمایی همچون کفر، مولد زیانمایی‌های دیگر نظیر به ضلالت رفتن، ظلم، جهل و... است.



فضل یا غفران الهی از مفاهیمی است که هم خود به عنوان مصادیق زیبایی شمرده شده - است و هم متقارن، عامل، معلول زیبایی‌های دیگر است. توجه به زیبایی‌های آیات آفاقی نظیر گیاهان و باغ و انعام (که به عنوان عوامل ایجاد زیبایی در قرآن از آن‌ها یاد شده)؛ می‌تواند به عنوان مثال، ایمان به خداوند را در ما تقویت کند که خود آن هم می‌تواند منجر به بروز عمل صالح گردد. از طرف دیگر عذاب اخروی الهی هم خود معلول زیانمایی‌های کاذب است و هم می‌توان از آن به عنوان مفهوم مقابل مصادیق زیبایی نام برد و هم از مفاهیم متقارن با زیانمایی‌ها است.

از آنجا که طبق منطق قرآنی زیبایی مولد زیبایی دیگر است؛ انجام عمل صالح نیز به عنوان عامل زیبایی به رشد ایمان در فرد کمک می‌رساند و در مقابل آن انجام اعمال زشت نیز به عنوان عامل زیانمایی به افزایش کفر می‌انجامد.

در نهایت با بررسی مفاهیم مشترک روابط مذکور در شبکه مفهومی زیبایی، این نتیجه حاصل شد که در منطق قرآنی، مفاهیم زیبایی (و مفاهیم مقابل آن) خود مولد زیبایی (و یا زشتی) دیگری است؛ به عبارت دیگر زیبایی (و مفاهیم مقابل آن) در حلقه‌های متوالی، مدام رشد و توسعه پیدا می‌کند و مرتبه به مرتبه افزون‌تر می‌شود. بنابراین این مفاهیم مولد (زیبایی یا زیبایی مجازی)، مؤلفه‌های کلیدی این پژوهش را تشکیل داده که باز هم از میان آن‌ها مؤلفه‌های کلیدی با فراوانی ۱۰ مورد به بالا انتخاب گردیده‌اند که عبارتند از:

صفات الهی (هدایت، غفران، رحمت و فضل الهی)، آیات آفاقی، آیات انفسی، زیانمایی - های دنیوی از آفاق و انفس، انزال کتاب الهی، زیبایی‌های اعتقادی شامل ایمان به خداوند زیبا و خالق زیبایی‌ها، زیبایی‌های عملکردی شامل اعمال صالح: (تهذیب نفس (تقوا، استغفار، توبه)، فضایل اخلاقی (صبر، انفاق، کسب بصیرت، علم و ورزی، اقامه نماز، دعا)، پاداش الهی (بهشت با همه نعمت‌هایش)، زیبایی‌های کاذب اعتقادی: (کفر (مؤلفه مقابل ایمان)، شرک)، زیبایی‌های کاذب عملکردی انسان شامل اعمال بد (مؤلفه مقابل اعمال صالح): به ضلالت رفتن و انحراف از راه خدا، رذایل اخلاقی (ظلم، فسق، عصیان و طغیان در برابر خدا، نفاق)، جهل

(مؤلفه مقابل علم‌ورزی) و عذاب اخروی الهی (جهنم با همه عذاب‌هایش) (مؤلفه مقابل پاداش الهی (بهشت با همه نعمت‌هایش)) (ر.ک: آقایی و دیگران، ۱۳۹۳، صص ۷-۲۹).

### شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآن کریم:

بعد از روشن‌شدن مفاهیم کلیدی براساس شبکه مفهومی زیبایی در قرآن، در مرحله بعد شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی نیز احصا گردید که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱) شیوه بیانی:

واژگان در قرآن در یک نسق خاص با بالاترین درجه فصاحت خود نظم یافته و تعلیقات هماهنگ با سیاق بیان گردیده‌اند (برای مثال تعبیر «و هو علی کل شیء قدیر» پس از سخنی می‌آید که قدرت خدا را اثبات کند). و نیز میان اغراض در سیاق آیات، پیوستگی معنوی و در انتقال از هدفی به هدف دیگر تناسب وجود دارد (ایازی، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۲۴).

#### ۲) شیوه زبانی:

زبان قرآن که زبان هدایت و ایمان است، از ابزار زبانی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، تجسیم برای شوراندن درون مخاطبان خود فراوان استفاده کرده‌است. آنان که پروای الهی داشته و دارند مطابق با آیه ۲۳ سوره زمر، به سبب گوش‌سپردن به زیباترین سخن «الله نزل احسن الحدیث»، «پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد و سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد.» (سیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

#### ۳) شیوه موسیقایی:

میان مسلمانان موسیقی قرآن مایه کسب قدرت روحی و پیدا کردن خلوص و صفای باطن بوده‌است. آنگاه که آیات خوف تلاوت می‌شود، مؤمنان به لرزه می‌افتند، بلافاصله با بشارت و وعده‌های الهی رو به رو می‌شوند و حالت محبت، آرامش، انس، طمأنینه و گشادگی باطن به آن‌ها دست می‌دهد. در آیه ۸۳ سوره مائده به این نکات اشاره شده‌است (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۸).



#### ۴) شیوه تصویرپردازی:

چنین به نظر می‌رسد که در ارتباط خالق و مخلوق، تصویر ابزاری است که مفاهیم و مطالب عمیق آسمانی را به شیوه‌ای متناسب برای فهم و درک انسانی آسان می‌نماید. قرآن الفاظ را از دایره تنگ معانی به صورت تصاویری محسوس و قابل تخیل در می‌آورد و تصاویر را از شکل صامت به صحنه‌هایی پویا و زنده تبدیل می‌کند (شاکر، ۱۳۸۱، صص ۲۷۸-۲۷۹).  
مؤلفه‌های تصویرپردازی در قرآن:

##### ۱. اندیشه دینی

قرآن کتاب آسمانی است که برای تحول معرفتی، اخلاقی و ایجاد نگرش جدید نازل شده است. همچنانکه از مضمون آیات ۱-۲ سوره جن چنین برداشت می‌شود. بنابراین تصویر در قرآن در خدمت بیان اندیشه دینی است (ایازی، ۱۳۸۵، صص ۶-۷).

##### ۲. عینی‌کردن مفاهیم ذهنی

ماهیات، اندیشه‌ها و عواطف به صورت عینی و در قالب تشبیه‌های محسوس ارائه می‌شوند. مثلاً در آیه ۳۱ سوره انعام، گناه به صورت بار سنگینی به عینیت در می‌آید (سیدی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۱).

##### ۳. خیال

عنصر خیال بارزترین ویژگی زبان هنری و ادبی است که آن را از زبان علمی صرف متمایز می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، صص ۹-۱۰). تخیل در قرآن با تجسیم نیز همراه می‌شود (برای مثال آیه ۶۴ سوره مائده) و در پرتو تعبیر، حرکتی برای این جسم یا در پیرامون آن به خیال می‌افکند (قطب، مترجم ویسی، ۱۳۸۹).

##### ۴. عاطفه

قرآن کریم برای تأثیرگذاری معنا بر جان و دل مخاطب از عنصر عاطفه استفاده می‌کند (سیدی، ۱۳۸۷، صص ۱۰۸) که در داستان‌های قرآن کریم به شکل بدیعی تعبیه شده (شاکر،

۱۳۸۱، ص ۲۷۳). قرآن با به کار بردن عنصر عاطفه تحرک لازم را برای ایجاد رفتار مورد نظر در مخاطب به وجود می‌آورد نظیر آیه ۱۵ سوره حج (بستانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱).

#### ۵. ذوق

سکاکی تنها راه درک اعجاز قرآن را ذوق معرفی می‌کند که آن هم در سایه داشتن علم و بیان فراهم می‌آید. ذوق قوه‌ای فراتر از قوه عقل است که قادر به ادراک عجائب و غرایبی است که عقل از درک آن‌ها عاجز و ناتوان است (بلخاری، ۱۳۸۴).

#### ۶. خلاقیت

پرداخت تصویری از یک اثر، ضمن آنکه خواننده را به دریافتهای روشن هدایت می‌کند و سبب بسط اندیشه او می‌شود، خلاقیت مخاطب را تحریک کرده و خلقی نو را به وجود می‌آورد (تمیم داری و دانشگر، ۱۳۸۵).

#### ۵) شیوه تمثیل:

ابزار بیان رایج این جهانی و مادی امکان انتقال کامل مفاهیم معنوی را ندارد، بنابراین قرآن از تمثیل‌ها در قالب تصاویر زنده و محسوس استفاده می‌کند؛ نظیر آن را می‌توان در آیه ۲۱ سوره حشر ملاحظه کرد (بشیر و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۸). طبق آیه ۴۳ سوره عنکبوت، امثال را جز عالمان درک و تعقل نمی‌کنند یعنی کسانی که توانسته‌اند از معنی ظاهری به معنی حقیقی برسند (علامه، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

#### ۶) شیوه قصه پردازی در قرآن:

قرآن داستان‌های خود را قَصَص می‌نامد، یعنی صحنه‌ها و حوادث گزینش شده‌اند و طوری نقل، بیان و ارائه می‌شوند که مخاطب آن‌ها را پی‌گیری کند و ارائه آن‌ها در قالب تصاویری زنده و محسوس صورت گرفته‌است (شاکر، ۱۳۸۱، دفتر سوم، ص ۲۷۶). در ضمن قرآن، در آیه ۳ سوره یوسف، شیوه قصه گویی خود را أَحْسَنَ الْقَصَصِ یعنی بهترین و نیکوترین شیوه معرفی می‌کند.



۷) شیوه پرده برداشتن از ظاهر به منظور رسیدن به باطن و حقیقت اشیاء:

خداوند در قرآن با اینکه به زیبایی‌های ظاهری نظیر آسمان، زمین و ... توجه می‌دهد اما در این ظواهر باقی نمی‌ماند و از آن عبور کرده و باطن این زیبایی‌ها را به نمایش می‌گذارد. برای مثال در آیه ۷۴ سوره بقره، در جایی که به توبیخ کافران می‌پردازد؛ مقام سنگ را بالاتر از دل‌های کافران می‌داند چراکه برخی سنگ‌ها از ترس خدا از فراز به نشیب فرو می‌غلتند.

بررسی ارتباط میان شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم با تربیت هنری و زیبایی‌شناختی برآمده از آراء فیلسوفان اسلامی:

با بررسی مؤلفه‌های برآمده از شبکه مفهومی زیبایی به نظر می‌رسد، توجه قرآن به زیبایی‌های حقیقی و نیز زیبایی‌های مجازی (زیبانمایی) به صورت توأمان است. می‌توان از این کاربرد قرآنی چنین برداشت کرد که قرآن همان‌طور که به موقعیت صحیح توجه می‌دهد، ما را از موقعیت خطرناک یا تهدیدآمیز نیز به همان میزان پرهیز می‌دهد. این مسأله به خصوص در زمینه بحث زیبایی ضرورت دوجندان می‌یابد چرا که زیبایی و زیبانمایی به شدت در هم تنیده‌اند و در بحث زیباشناسی زمینه لغزش فراوان وجود دارد؛ به عنوان مثال افراط در استفاده از زیبایی‌های طبیعی و دلبستن به آنها، این زیبایی‌های خداداد را به زیبانمایی تبدیل می‌کند به این معنا که جلوه‌های زیبا و غفلت‌زای طبیعت (آیات آفاقی و انفسی) ما را از توحید حضوری دور کند و خود حجابی شود مانع دیدن حق. باید توجه داشت چه بسیارند کسانی که در جستجوی زیبایی حقیقی در دام زیبانمایی‌ها گرفتار آمده‌اند و خود بی‌خبرانند: (کهف/۱۰۴). بنابراین در این مسیر پر مخاطره به فرقان (جداکننده حق از باطل) نیازمندیم که توسط تقوا-ورزیدن حاصل می‌شود.

در سند فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تربیت عبارت‌است از: «جریان زمینه‌ساز هدایت افراد جامعه به سوی تکوین و تعالی پیوسته هدایت خویش برای شکوفایی فطرت و رشد همه‌جانبه و متعادل استعدادهای طبیعی در مسیر قرب الهی که شرط اساسی آن، ادراک و

حضور مستمر حق است که خود متضمن جریان دائمی تقوا (حرمت نگه داشتن در محضر حق) است. (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). بنابراین تقوا مفهوم کانونی تعلیم و تربیت است. تقوا بر شناخت و توجه استوار می‌شود و موضوع آن، یک وضعیت خطرناک یا موقعیت تهدیدآمیز است که در اینجا همان زیبایی‌های مجازی یا زیبانمایی‌ها مصداق این وضعیت هستند.

تقوا زمینه شناخت عوامل زیبانمایی (نظیر کفر، شرک، به ضلالت رفتن، ظلم، جهل، فسق، عصیان و نفاق) و نیز عوامل و روش‌های بازداری از آن‌ها (نظیر ایمان، صبر، انفاق، استغفار، کسب بصیرت، علم‌ورزی، توبه، اقامه نماز و دعا) را فراهم می‌کند. اموری که از آن‌ها تحت عنوان عوامل زیبانمایی، یاد شده، مواردی هستند که مرتبه به مرتبه حقیقت را در حجاب فرو می‌برند و روش‌های بازداری از این عوامل که در واقع همان زیبایی‌های حقیقی هستند، اموری‌اند که با پرده‌برداری از حقیقت هستی، مرتبه به مرتبه زمینه رسیدن و قرب به آن را فراهم می‌کنند. با روشن شدن جایگاه تقوا در تعریف تربیت اسلامی، روشن است که این مفهوم در تعریف تربیت زیبایی‌شناختی نیز باید موقعیت کانونی داشته باشد.

تقوا موجب توجه به موقعیت خطرناک زیبانمایی‌ها و عدم غفلت از آن‌ها نیز می‌گردد که از طریق تذکر بدست می‌آید. این توجه و تذکر مطابق با آنچه ملاصدرا ذکر کرده می‌تواند از طریق عشق فراهم گردد که در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های هنری است. برای رسیدن به این هدف نخست لازم است که فرد از طریق فعالیت‌های هنری به مرتبه عشق مجازی لطیف نفسانی صعود کند که خود می‌تواند زمینه‌هایی از عشق مجازی حیوانی را فراهم کند. سپس این عشق مجازی نفسانی خود معبری خواهد شد برای رساندن فرد به عشق حقیقی الهی. در این جریان تربیتی می‌توان یادگیرنده را به منزله عاشق و آنچه می‌خواهد به آن برسد (خداوند) را به منزله معشوق او در نظر گرفت. این عشق در اثر استحسان معشوق و تمثل صورت او در ذهن عاشق رخ می‌دهد که بعد از تکرر مشاهدات در آیات الهی (آفاقی و انفسی) و شدت فکر





و ذکر مداوم پیرامون آن‌ها برای پی‌بردن و کشف زیبایی‌های خداوند، می‌تواند حاصل شود. عاشق بعد از این شدت فکر و ذکر پیرامون آیات معشوق خود به درک حضور مستمر حق - تعالی خواهد رسید که خود حرمت نگه‌داشتن در محضر حق را در پی خواهد داشت که همان عنصر تقوا است. بنابراین فرد با رسیدن به مرتبه تقوا می‌کوشد که از زیانمایی‌ها دوری کند و خود را با زیبایی‌های حقیقی برای معشوق خود زینت کند.

#### نگرشی نو به تعریف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بر اساس مبانی مذکور:

با نظر به آنچه مطرح شد تربیت هنری و زیبایی‌شناختی جریانی از تربیت است که در طی یک زنجیره طولی در نهایت فرد را از طریق ایجاد عشق حقیقی با خداوند متحد می‌گرداند. این زنجیره طولی با فعالیت‌های هنری شروع می‌شود که با رشد قوه‌ی خیال، خلاقیت و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی مرتبی (استفاده از شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی)، او را به مرتبه عشق مجازی لطیف نفسانی می‌رساند و معبری خواهد شد برای رساندن فرد به عشق حقیقی الهی به این معنا که فرد می‌تواند در مرتبه‌ای بالاتر به استحسان معشوق حقیقی عالم یعنی خداوند بپردازد که بعد از تکرر مشاهدات در آیات الهی (آفاقی و انفسی) و شدت فکر و ذکر مداوم پیرامون آن‌ها برای کشف زیبایی‌های خداوند، حاصل می‌شود که به اتحاد با او منتهی می‌شود به این معنا که به درک حضور مستمر حق تعالی خواهد رسید که خود حرمت نگه‌داشتن در محضر او (تقوا) را در پی خواهد داشت (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، به نقل از ربیعی، ۱۳۸۸). بنابراین هدف اصلی تعلیم و تربیت اسلامی حاصل می‌گردد.

#### یافته‌های پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل آماری داده‌های حاصل از پرسشنامه:

برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌های حاصل از پرسشنامه، از آزمون فریدمن به منظور اولویت‌بندی گزاره‌های مختلف و تعیین میزان توافق صاحب‌نظران از جهت اهمیت گزاره‌های مختلف استفاده شده است.

جدول ۱: آزمون فریدمن در مورد مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی کلیدی استخراج شده



میان رتبه	مؤلفه‌های زیبایی کلیدی	میان رتبه	مؤلفه‌های زیبایی کلیدی
۶.۳۰	فضایل اخلاقی	۶.۳۰	صفات الهی
۶.۷۳	کسب بینش (بصیرت)	۹.۷۷	آیات آفاقی
۵.۸۷	علم‌ورزی	۹.۷۷	آیات انفسی
۶.۳۰	اقامه نماز	۶.۳۰	انزال کتاب الهی
۵.۸۷	دعا به درگاه الهی	۷.۱۷	ایمان به خداوند زیبا و خالق زیبایی‌ها
۵.۰۰	پاداش زیبای الهی	۸.۰۳	انجام اعمال صالح
		۷.۶۰	تهذیب نفس

#### جدول ۲: شاخصه‌های آزمون

تعداد	مجذور فی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۵	۷۰.۷۱۱	۱۲	۰.۰۰۰

با در نظر گرفتن احتمال خطای نوع اول در سطح ۰.۰۵؛ از آنجا که سطح معناداری کمتر از خطای نوع اول می‌باشد؛ باید به میان رتبه‌ها توجه کرد تا بتوان یافته‌ای که بیشترین توافق در موردش وجود دارد را شناسایی کرد. بنابراین از بین میان رتبه‌ها موردی که از همه بیشتر است، انتخاب می‌گردد. با توجه به این توضیح، آزمون فریدمن نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های زیبایی کلیدی بیشترین توافق صاحب‌نظران روی مؤلفه‌های آیات آفاقی و آیات انفسی بوده است.

#### جدول ۳: آزمون فریدمن در مورد مؤلفه‌های زیبانمایی کلیدی استخراج شده

میان رتبه	مؤلفه‌های زیبانمایی کلیدی	میان رتبه	مؤلفه‌های زیبانمایی کلیدی
۳.۹۰	ردایل اخلاقی	۳.۹۰	زیبایی‌های دنیوی با بار منفی
۴.۱۳	جهل	۴.۳۷	کفر و شرک
۴.۳۷	عذاب اخروی	۳.۶۷	انجام اعمال بد
		۳.۶۷	به ضلالت رفتن و انحراف از راه خدا

#### جدول ۴: شاخصه‌های آزمون

تعداد	مجذور فی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
-------	-------------	------------	--------------

۰.۱۵۹	۶	۹.۲۷۳	۱۵
-------	---	-------	----

از آنجا که سطح معناداری بیشتر از خطای نوع اول می‌باشد؛ بنابراین میان یافته‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. در نتیجه آزمون فریدمن نشان می‌دهد که مؤلفه‌های زیانمایی کلیدی استخراج شده با توجه به استنادات آیه‌ای و روایی و سایر اسناد از نظر صاحب‌نظران از اهمیت یکسانی برخوردار است.

جدول ۵: آزمون فریدمن در مورد شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی استخراج شده

میان رتبه	شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی	میان رتبه	شیوه‌های هنری و زیبایی - شناسانه قرآنی
۴.۴۷	تمثیل	۴.۲۳	بیانی
۴.۲۳	قصه‌پردازی در قرآن	۴.۰۰	زبانی
۴.۰۰	پرده برداشتن از ظاهر	۳.۳۰	موسیقیایی
		۳.۷۷	تصویرپردازی

جدول ۶: شاخصه‌های آزمون

تعداد	مجذور فی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۵	۱۶.۸۰۰	۶	۰.۰۱۰

با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از احتمال خطای نوع اول است بنابراین تفاوت معناداری میان یافته‌ها وجود دارد بنابراین از بین میان رتبه‌ها موردی که از همه بیشتر است، انتخاب می‌گردد. با توجه به این توضیح، آزمون فریدمن نشان می‌دهد که از میان شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی بیشترین توافق روی شیوه تمثیل بوده است.

نتایج آمار استنباطی یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که از میان مؤلفه‌های زیبایی کلیدی، مؤلفه‌های آیات آفاقی و آیات انفسی و از میان شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی، شیوه تمثیل بیشترین اهمیت را از نظر صاحب‌نظران داشته است. به جز موارد ذکر شده تمام

یافته‌های تحقیق از نظر صاحب‌نظران با اهمیت بوده و تفاوت معناداری از نظر میزان اهمیت و توافق صاحب‌نظران میان آن‌ها وجود ندارد

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر بنا بر شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم و نیز با توجه به اهتمام قرآن به بهره‌گیری از زبان زیبایی‌شناختی در انتقال مفاهیم کلیدی خود (استفاده از روش‌های هنری و زیباشناسانه) و با نظر به دلالت آراء فیلسوفان اسلامی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی خصوصاً ملاصدرا، نگرشی نوینی به تعریف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی استنباط گردیده است.

در توضیح مطلب باید اشاره کرد که یکی از دلالت‌های نظریه تربیتی اسلام، چرخش از شناخت علمی به شناخت زیبایی‌شناسانه است. در شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم، به طرح زیبایی‌های حقیقی و نیز زیبایی‌های مجازی (زیبانمایی) پرداخته شده است. مطابق منطق قرآنی، برای تشخیص زیبایی‌های حقیقی از مجازی به فرقان (جداکننده حق از باطل) نیازمندیم که توسط تقوا ورزیدن حاصل می‌شود. تقوا زمینه شناخت عوامل زیبانمایی و نیز عوامل و روش‌های بازداری از آن‌ها را فراهم می‌کند.

هدف کلی تعلیم و تربیت اسلامی، تعالی افراد جامعه به سمت تحقق ذات واقعیت یا اثبات توحید در آن‌ها می‌باشد که شرط اساسی آن، ادراک و حضور مستمر حق است که خود متضمن جریان دائمی تقوا (حرمت نگه داشتن در محضر حق) است. تقوا موجب توجه به موقعیت خطرناک زیبانمایی‌ها و عدم غفلت از آن‌ها می‌گردد که از طریق تذکر بدست می‌آید. این توجه و تذکر مطابق با آنچه ملاصدرا ذکر کرده می‌تواند از طریق عشق فراهم گردد که در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های هنری است. برای رسیدن به این هدف نخست لازم است که فرد از طریق فعالیت‌های هنری به مرتبه عشق مجازی لطیف نفسانی صعود کند که خود می‌تواند زمینه‌هایی از عشق مجازی حیوانی را فراهم کند. سپس این عشق مجازی نفسانی خود معبری خواهد شد برای رساندن فرد به عشق حقیقی الهی. در این جریان تربیتی می‌توان یادگیرنده را به منزله عاشق و آنچه می‌خواهد به آن برسد (خداوند) را به منزله معشوق او در نظر گرفت. این عشق در اثر استحسان معشوق و تمثل صورت او در ذهن عاشق رخ می‌دهد



که بعد از تکرر مشاهدات در آیات الهی (آفاقی و انفسی) و شدت فکر و ذکر مداوم پیرامون آن‌ها برای پی‌بردن و کشف زیبایی‌های خداوند، می‌تواند حاصل شود. عاشق بعد از این شدت فکر و ذکر پیرامون آیات معشوق خود به درک حضور مستمر حق تعالی خواهد رسید که خود حرمت نگه‌داشتن در محضر حق را در پی خواهد داشت که همان عنصر تقوا است. بنابراین فرد با رسیدن به مرتبه تقوا می‌کوشد که از زیانمایی‌ها دوری کند و خود را با زیبایی‌های حقیقی برای معشوق خود زینت کند.

بنابراین تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه می‌تواند ما را به این هدف برساند چراکه تعلیم و تربیت اسلامی زمانی که به روش هنری و زیبایی‌شناسانه انجام می‌گیرد؛ می‌تواند فرد را به مرتبه عشق برساند و کسی که عاشق می‌شود مدام در فکر و ذکر معشوق خود است و با او متحد می‌گردد؛ پس به درک حضوری او که هدف اصلی تعلیم و تربیت اسلامی است نائل خواهد شد.

با توجه به اینکه در این پژوهش دلالت آراء فیلسوفان اسلامی بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی و نیز شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم و شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی، مورد بررسی قرار گرفت؛ در جهت تکمیل یافته‌ها برای ارائه تعریف جامعی از تربیت هنری و زیبایی‌شناختی بنابر دیدگاه اسلامی پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های عمیقی در زمینه روایات نیز صورت گیرد و دلالت آن‌ها بر تربیت هنری و زیبایی‌شناختی استخراج گردد.

## منابع

### قرآن کریم

آقای، سیده الهام؛ زاهدی، انسیه و علم الهدی، جمیله. (۱۳۹۳). شناسایی دلالت‌های شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم برای حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی. شماره ۱۸. صص ۷-۲۹.

ابوالمعالی. خدیجه. (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم.

ال. الیاس، جان. (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر). ترجمه عبدالرضا ضرابی. قم:

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

امینی، محمد. (۱۳۸۴). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: نشر آبیژ.

ایازی، سید محمد علی. (۱۳۸۱). چهره پیوسته قرآن. قم: هستی نما.

- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۸۵). *اصول و مبانی زیبایی‌شناسی قرآن کریم*. نشریه پژوهش نامه قرآن و حدیث. شماره ۱.
- بستانی، محمود. (۱۳۷۸). *اسلام و هنر*. ترجمه حسین صابری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بشیر، حسن و زارع درخشان، ابوذر و هم‌زاده ایبانه، حسین. (۱۳۸۸). *اصول و رهیافت‌های هنر اسلامی در کلام رهبری*. تهران: نشر امام صادق(ع).
- بطحائی، مهدی. (۱۳۵۲). *اهداف‌های ملی و میهنی تعلیم و تربیت آموزش و پرورش ملی*. بی جا.
- تمیم داری، احمد و دانشگر، مریم. (۱۳۸۵). *زیبایی‌شناسی در قرآن کریم با رویکردی به عنصر داستان*. فصلنامه هنر. شماره ۷۰. صص ۱۲۸-۱۴۱.
- خامه گر، محمد. (۱۳۸۲). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*. تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- دبیرخانه طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش در پروژه تحقیقاتی. (۱۳۸۴). *بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ربیعی، هادی. (۱۳۸۸). *جستارهایی در چیستی هنر اسلامی*. دفتر اول. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- رشید، خسرو و مهرمحمدی، محمود و دلاور، علی و قطریفی، مریم. (۱۳۸۷). *بررسی مراحل تحول زیباشناسی در دانش‌آموزان شهر تهران*. نشریه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۲۷.
- رضایی، منیره. (۱۳۸۹). *تربیت زیبایی‌شناسی و هنری*. تهران: نشر منادی تربیت وابسته به وزارت آموزش و پرورش.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۴). *بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب از نظر کاربرد آن در برنامه‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پروژه تحقیقاتی. (۱۳۸۴). *بررسی نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دوره آموزشی عمومی کشور*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سیدی، سید حسین. (۱۳۸۷). *مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن*. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. شماره ۲۷. صص ۱۰۵-۱۱۶.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۱). *قرآن در آینه پژوهش - مقالات علمی - پژوهشی از فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری تخصصی (Ph.D)*. دفتر سوم. تهران: نشر هستی نما.

- شرفی، حسن. (۱۳۸۶). آموزش هنر متناسب با فعالیت‌های زیباشناسانه تولید هنری و مفاهیم وابسته. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۲.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۷۹). اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- علامه، سید میر حسین. (۱۳۸۴). شناخت شناسی هنر در نگرش قرآنی. نشریه کوثر. شماره ۱۸. صص ۷۶-۸۰.
- قطب، سید. (۱۳۸۹). تصویرسازی هنری در قرآن. ترجمه زاهد ویسی. سندج: نشر آراس.
- گال، مردیت و دیگران. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (جلد اول). ترجمه: احمدرضا نصر و همکاران. تهران: نشر سمت.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۸). روش شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی: نوآوری در ترکیب رویکردهای پژوهش کمی و کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محمودی، نورالدین. (۱۳۹۰). آفرینش‌گری و خلاقیت متعالیه در تعلیم و تربیت (براساس مبانی نظری صدر). تهران: نشر کلک زرین.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). آشنایی با قرآن: شناخت قرآن. ج ۱. تهران: نشر صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۱۷، ۲۳. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مهرمحمودی، محمود. (۱۳۸۳). آموزش عمومی هنر. تهران: نشر مدرسه.
- نائینی. محمدکاظم. (۱۳۵۹). هدف‌ها و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس برداشتی از قرآن، نهج‌البلاغه، اخبار و احادیث، تهران: دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف سازمان آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش.
- Broudy, Harry. (1977). How Basic is Aesthetic Education? Or Is' Rt the Fourth R? Educational Leadership. Vol35.
- Curtis, Thomas E. Speiker, Charles A (1977) Aesthetics in American Education: A Position Statement. Education alleader ship. Vol35.
- Eisner, Elliot (1985). The kind of schools We Need? Educational Leadership.
- Eisner, Elliot (1997). Educating for Tomorrow's Jobs and Life Skills. Educational Leadership. Vol55

